

رضا پاکدامن
کارشناس مسائل حقوقی

آموزش نیروی کار؛ بندی که در قراردادهای تکرار می شود

بلکه به تعبیر مدیر یکی از شرکت‌های خارجی فعال در ایران، برای هر پروژه نفتی هزینه اعزام افراد برای دوره‌های تخصصی به بهترین مراکز آموزشی اروپا، به مراتب کمتر از مکلف کردن پیمانکار خارجی به آموزش ضمن عملیات است. زیرا آموزش نوع دوم موجب وقفه و کندی در عملیات خواهد شد و دیگر آن که شرایط کاری در برخی از مواقع از جمله پروژه‌های دریایی بسیار سخت بوده و این شرایط برای کسی که با انگیزه صرفاً آموزشی در منطقه حضور دارد، غیرقابل تحمل خواهد شد.

مضافاً اینکه، اکثر شرکت‌هایی که اجرای پروژه‌های نفتی را به عهده می‌گیرند، فاقد تخصص و حتی امکانات کافی برای آموزش نیروهای کشور میزبان می‌باشند. بدین ترتیب اهداف مورد نظر از الزام پیمانکار به آموزش نیروهای کارفرما و بومی تحقق نخواهد یافت.

از لحاظ اقتصادی نیز این چنین الزاماتی بنفع کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نمی‌باشد، زیرا این موضوع موجب می‌گردد که شرکت‌های خارجی، با پیش‌فرض اختصاص مبلغی برای آموزش نیروهای بومی، قیمت پیشنهادی خود را افزایش دهند.

از طرفی، بنظر می‌رسد در مورد این موضوع رویه واحدی در صنعت کشور ما حاکم نبوده و هر بخش از این صنعت رویکرد خاصی در این رابطه اتخاذ کرده است.

لذا بهتر است کلیه شرکت‌های وابسته به وزارتخانه‌های صنعتی هر یک دارای بودجه مستقل و متناسب با حجم عملیات برای تحقیق و توسعه R&D بوده و در راستای توسعه نیروی انسانی و در چارچوب یک برنامه آموزشی هدفمند نسبت به آموزش نیروهای متخصص خود از طریق انعقاد موافقتنامه‌های آموزشی و اعزام مستقیم به مراکز آموزشی معتبر بین‌المللی برای دوره‌های تخصصی کاربردی اقدام نمایند و متوجه این نکته باشند که آموزش نیروی کار صرفاً با تصویب ماده واحده محقق نمی‌شود. □

یکی از موضوعاتی که غالباً در قراردادهای صنعتی ایران بین کارفرمای دولتی و پیمانکار خارجی دیده می‌شود، الزام پیمانکار خارجی به تخصیص درصدی (معمولاً ۱ درصد) از کل هزینه پروژه به آموزش نیروهای ایرانی توسط شرکت خارجی و در مواردی به صورت مجانی است. این رویه، مختص به کشور ما نبوده، بلکه در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته دیگر نیز اجرا می‌گردد.

در اکثر قراردادهای نفتی منعقد بین کشورهای در حال توسعه ماده‌ای به الزام پیمانکار به آموزش کارکنان کارفرما و یا افراد معرفی شده توسط کارفرما اختصاص می‌یابد. این نوع تعهد قراردادی از ساختار واحد و استاندارد برخوردار نیست و در هر کشور متفاوت است.

هر کارفرما با توجه به انتظارات خود و تشخیص قابلیت‌های پیمانکار، ماده مربوط به آموزش را تنظیم می‌کند. برخی از کارفرمایان، نه تنها آموزش بلکه انتقال تکنولوژی را نیز در قالب اجرای قرارداد اصلی پیمانکار انتظار دارند.

برای نمونه شرکت ملی نفت چین (CNOOC) در یکی از قراردادهای خود ماده مفصلی برای آموزش و انتقال تکنولوژی توسط پیمانکار پیش‌بینی کرده است. بعد از اجرای قرارداد مزبور، تحقیقی در مورد میزان انجام تعهدات توسط پیمانکار، توسط یکی از مراکز تحقیقاتی بکن صورت گرفت. بر اساس این تحقیق، وضعیت اجرای این ماده بسیار نامیدکننده بود، زیرا بسیاری از افراد چینی مورد مصاحبه، اعتقاد داشتند که شرکت‌های خارجی مایل به آموزش تکنولوژی خود به چینی‌ها نبوده، روش‌های پردازش داده‌های لرزه‌نگاری از جمله این موارد بود.

لذا بنظر می‌رسد که کارفرمایان کشورهای در حال توسعه نباید انتظارات زیادی از انتقال تکنولوژی و آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص در قالب قراردادهای پیمانکاری داشته باشند.

شرکت ملی نفت عراق تاسیس شد و هدف آن مبادرت به عملیاتی نفتی در تمام زمینه‌ها یا اکتشاف، استخراج و حمل و نقل و فروش مواد نفتی بود. تصمیمات مهم شرکت باید به تصویب هیات وزیران و سپس مجلس برسد و پس از انتشار در روزنامه رسمی به صورت لازم‌الاجرا در می‌آید. تصمیمات باید مطابق با سیاست‌های کلی نفتی اتخاذ شده توسط دولت باشد. تمام سرمایه شرکت متعلق به دولت است و این شرکت می‌تواند طرف قراردادهای متعدد با شرکت‌های خارجی واقع شود.

در اواسط سال ۱۹۹۱ پس از جنگ دوم خلیج فارس به منظور تولید و استخراج نفت از میدانی «مجنون» و «نهر عمر» بین عراق و شرکت فرانسوی توتال فینالفا قراردادی در قالب مشارکت در تولید منعقد شد که به دلیل تحریم‌های سازمان ملل و مخالفت‌های آمریکا به مرحله اجرا درنیامد. در سال ۱۹۹۷ قرارداد توسعه فاز دوم میدان نفتی بسیار بزرگ westqurna با کنسرسیوم روسی به رهبری شرکت Oil Luck در قالب مشارکت در تولید منعقد شد. عملیات اجرایی آن توسط شرکت‌های عامل شروع گردید ولی هنوز به تولید مطلوب طرفین در سطح تجاری نرسیده بود که این قرارداد توسط رهبری عراق به حالت تعلیق درآمد.

در سال ۱۹۹۷ نیز قرارداد دیگری عینا در همین قالب حقوقی مشارکت بین عراق و شرکت نفت چینی بنام (CNPC) به امضاء رسید. موضوع قرارداد توسعه میدان نفتی Ahdab Al_ بود. این قرارداد نیز در حین اجرا بدلیل سیاست‌های رهبری عراق و موضع‌گیری آمریکا به حالت تعلیق درآمد و سرانجام موقوف‌الاجرا گردید. در مورد قراردادهای خرید خدمت (پیمانکاری) که در سال ۱۹۶۶ در ایران بکار گرفته شد دقیقاً دو سال بعد به سال ۱۹۶۸ بین شرکت ملی نفت عراق و موسسه نفتی اراپ فرانسه منعقد شد. شرط ابدایی که در قرارداد پیمانکاری عراق دیده می‌شود اینکه دآوری در قرارداد و حل و فصل اختلافات احتمالی از طریق موافقتنامه کلی مابین دو دولت فرانسه و عراق (قرارداد بین‌المللی) روشن خواهد شد. (منصوری نراقی - ۱۳۴۹)

پس از آن قرارداد دیگری در قالب پیمانکاری در عراق منعقد نشد و بیشتر این قالب قراردادی مشارکت بود که مورد عمل قرار می‌گرفت. اگر چه هیچکدام از قراردادهای مشارکتی منعقد پس از جنگ دوم خلیج فارس به مرحله نهایی نرسیدند، با وجود این میزان منافع حاصله عراق از قراردادهای مشارکتی منعقد، حتی با وجود تحریم‌های سازمان ملل نسبت به قراردادهای بیع متقابل ایران با لحاظ شرایط ویژه هر کدام، بیشتر و مناسب‌تر بوده است. (نشریه مجلس و پژوهش - ۱۳۷۸) □